

متن پرسش

سلام علیکم و رحمة الله ... جناب استاد ببخشید که این سوال رو مطرح می‌کنم اما هرچی فکر کردم به نتیجه نرسیدم و عاقبت به شما پناه آوردم. چند وقتی که یک فایل صوتی از حجت الاسلام صمدی املی در فضای اینترنت پخش شده که ایشان در آن اظهار میدارند: "آقای حسن زاده اعتقاد دارند که ماهیت هم تشکیکی است. که منشا این سخن اسفار ملاصدرا است. اگر این قضیه که می‌فرماید عین ثابت را می‌شود عوض کرد ثابت باشد، آنوقت می‌بینیم قبل از اینکه ما برویم بهشت، یزید و یارانش رفته‌اند. حتی آیه قرآنی که با این معنا در تضاد است با تفسیر انفسی حل می‌شود. مردم بیچاره دارند آنها را لعنت می‌کنند. همه می‌خواهند شمر و قاتلین را دور کنند ولی امام حسین علیه السلام می‌گوید بیا! ای عزادار این لعنت کردن، کمال برای خودت است. با لعن کردن، خودت به کمال می‌رسی. آنها (شمر و یزید و...) که دین و ناموس خدا را نابود نکردند. آنها در روز قیامت برهان اقامه میکنند! و می‌گویند: اگر من نبودم شما عزاداری نمی‌کردید. الان ما چقدر باید متشکر شمر باشیم. اگر شمر قتال با سید الشهداء (علیه السلام) را رها می‌کرد چه میشد؟ حالا حضرت (علیه السلام) چند سال بیشتر عمر میکرد! جناب نوح ۹۰۰ سال زحمت کشید ۷۰ نفر و امام حسین ۷۲ نفر ولی شمر با این کارش این همه خیل عزاداران را جذب کرد! حالا می‌بینید حق شمر هم هست اینهمه بالا بیاید. استعدادهایی در آنها (شمر و یزید و...) دیده میشود که معلوم میکند آنها هم چیزهایی دارند! بله بله؛ منتها آن که در ذهن ما هست که جهنم آنها، این حرفی نیست؛ آری این عین ثابتش تا عوض بشود جان را به لب می‌آورد؛ ... " آیا واقعا چنین تفاسیری جایی در تفکر شیعی دارند؟. ممنون از لطف شما

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام بنده هم آن فایل را گوش دادم و به رسم آزاداندیشی که باید هر سخنی نقد و بررسی شود تا جای خود را بیابد، عرض می‌کنم که ظاهراً در آن سخنان بین «ماهیت» به معنای «عین ثابت» با «ماهیت» به معنای چیستی شیئی که در مقابل وجود قرار دارد، خلط شده. ماهیت به عنوان عین ثابت همان وجود علمی هرکس است نزد خدا با اختیار ذاتی که انسان در مقام امکان ذاتی خود دارد و از آنجایی که هر انسانی در ذات خود مختار است می‌تواند هر نوع شخصیتی را که خواست انتخاب کند و در ادامه در زندگی دنیایی، آن انتخاب را شدت ببخشد و ماهیت به این معنا می‌تواند تشکیکی باشد ولی این معنا برای ماهیت هیچ ربطی با ماهیت به معنای چیستی شیئی ندارد که جنبه‌ی عدمی شیئی است و عدم، چیزی نیست که تشکیک‌بردار باشد. عین همین خلط بین وجود

تکوینی و تشریحی شیطان و شمر شده است. آری وجود شیطان از نشانه‌های حکمت الهی است تا انسان‌ها از یک طرف در معرض وسوسه‌های شیطان قرار گیرند و از طرف دیگر در معرض الهامات الهی فرشتگان باشند و در این مسیر آنچه را خواستند انتخاب کنند و گوهر خود را بنمایانند. در این رابطه باید از خدا تشکر کرد که چنین نظامی را به وجود آورده که شیطان در آن قرار دارد، نه این‌که از شیطان تشکر کنیم. اتفاقاً همواره باید از شیطان به عنوان «عَدُوٌّ مبین» متنفر بود زیرا همه‌ی زشتی‌ها از اوست به قول شهید مطهری «رحمة الله علیه» اشاعره به جای آن‌که خدا را تنزیه کنند، جبّاران و ظالمان را تنزیه کردند. چون اشاعره از توحید افعالی این‌طور نتیجه می‌گرفتند که همه‌ی فعل‌ها، فعل خدا است و در نتیجه فعل جبّاران نیز فعل خدا است، غافل از این‌که فعل خدا در انسان، اختیار انسان است که اقتضای انجام فعل و ترک فعل را دارد و در نتیجه اگر انسان به میخانه رفت چون می توانسته است به مسجد هم برود، آن فعل، فعل انسان است. در مورد شمر و عمر سعد نیز قضیه از همین قرار است. آری این‌طور نیست که آن دو ملعون مقابل اراده‌ی تکوینی الهی عملی انجام داده باشند خداوند تکویناً آن‌ها را مختار آفرید و تکویناً خواست تا هرطور خواستند بتوانند عمل کنند هرچند به اراده‌ی تشریحی از طریق شریعت الهی بهترین عمل را به آن‌ها تذکر داد. و این از حکمت الهی است که آن‌ها به اراده‌ی تکوینی الهی آنچه می‌توانند بکنند و خداوند با این کار با نمایش ایمان امام حسین «علیه السلام» زیباترین صحنه را به وجود آورد و امام حسین «علیه السلام» با علم به این مسئله با اختیار خود به صحنه آمدند و به بهترین شکل دین خدا را نمایاندند ولی کار شمر و عمر سعد تماماً مطرود است و با شهادت ولی خدا برای همیشه در اسفل درکات جهنم قرار دارند زیرا مقابل فطرت خود عمل کردند و شخصیت خود را در دنیا در مسیر پشت‌کردن به فطرت خود شکل دادند و در قیامت که حجاب‌های نفس اماره به کنار می‌رود حالت تقابل با فطرتشان برایشان ظهور می‌کند و برای همیشه عذاب زیر پا گذاردن فطرت گریبان آن‌ها را می‌گیرد که صورت بیرونی آن عذاب همان آتشی است که آن‌ها را «فی» عمَدٍ مُمَدَّدَةٍ احاطه کرده. در روایت داریم که حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» در ابتدای نهضت کربلا در مدینه رسول خدا «صلوة الله علیه و آله» را در خواب دیدند که به حضرت فرمودند: « يَا حُسَيْنُ اَخْرُجْ فَاِنَّ اللّٰهَ قَدْ شَاءَ اَنْ يَّرَاكَ قَتِيْلًا » ای حسین حرکت کن، خداوند می‌خواهد تو را کشته ببیند. مرحوم شهید مطهری «رحمة الله علیه» می‌فرمایند این سخن هیچ تضادی با اختیار امام حسین «علیه السلام» ندارد زیرا رسول خدا «صلوة الله علیه و آله» فرموده‌اند خداوند تشریحاً می‌خواهد تو شهادت را انتخاب کنی همان‌طور که خداوند می‌خواهد ما به کسی ظلم نکنیم. در هر حال امام حسین «علیه السلام» با انتخاب خود سعی کردند آنچه را خدا می‌خواهد عمل کنند و روایت را به اراده‌ی تشریحی خداوند ربط می‌دهند، ولی عده‌ای آن روایت را به اراده‌ی تکوینی خداوند ربط می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که امام حسین «علیه السلام» مجبور بودند شهید شوند چون خدا اراده کرده بود و این نیز یکی از مواردی است که بین اراده‌ی تکوینی و تشریحی خلط شده. فکر می‌کنم جواب شماره‌ی ۱۳۶۴ در موضوع «عین ثابت» به فهم بحث کمک کند. موفق باشید